

## سیره مدیریتی امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> در مسئله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی

حسین قاضی خانی\*

### چکیده

مسئله لغزش مالی در میان کارگزاران حکومتی امری است که در گذر تاریخ جوامع مختلف بدان مبتلا بوده‌اند. بنابراین شایسته است که حاکمان چاره‌ای برای آن اندیشیده تا آسیب‌زایی آن را مدیریت نمایند. از آنجاکه کارگزاران حکومت علوی نیز از این امر به دور نبوده‌اند به سبب جایگاه امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> در نظام اندیشه‌ای امامیه و الگوگیری از رفتار ایشان، شیوه مواجهه حضرت با این مسئله به عنوان پرسش این جستار مورد واکاوی قرار گرفته است. در بررسی تاریخی داده‌های استنادی منابع کهن، اهتمام امام<sup>ع</sup> در پیشگیری بر اموری بسان شایسته‌گزینی، عنایت به حقوق کافی، ارزیابی نامحسوس و ... بوده و امام<sup>ع</sup> به سادگی از اخبار لغزش مالی کارگزارانش چشم نمی‌پوشید. در استقراء و بررسی لغزش‌های مالی روی داده، از راه کارهای مورد استفاده حضرت نیز می‌توان به اطلاع‌رسانی خبرخواهانه، بررسی اخبار لغزش مالی، بازنگاه‌داشتن مسیر اصلاح، پیگیری و بازگرداندن اموال و مجازات اشاره داشت. اما نکته اصلی آن است که در پیمودن تمامی این مراحل اهتمام اصلی امام<sup>ع</sup> بر موعظه نیکو و اصلاح درونی کارگزار خاطی بوده است.

### واژگان کلیدی

امام علی<sup>ع</sup>، لغزش مالی، کارگزاران، خیانت در بیت‌المال، سیره.

### طرح مسئله

بی‌شک کارگزاران - به عنوان مجری سیاست‌ها و برنامه‌های حاکمان - نقشی اساسی در محقق شدن باورداشت‌های یک نظام ایفا می‌کنند. در این میان به دلیل جایگاه اجرایی و قرارگرفتن در سلسله مراتب قدرت، لغزش‌گاه‌های ایشان را به چالش فرامی‌کشد. مسئله لغزش مالی را می‌توان در شمار مهتمترین و پرسامدترین لغزش‌گاه‌های فراز و کارگزاران نظام‌های حکومتی دانست. هرچند که در میدان عمل، به دلایلی شاید نتوان به حذف این امر امید داشت اما به سبب آسیب‌زایی فراوان این لغزش و پیامدهایی که در بعد اقتصادی و اعتماد مردم نسبت به نظام حکومتی به همراه خواهد آورد، لازم است حکمرانان با اندیشه‌یدن تمهیداتی، کارگزاران خود را در حد امکان از فروغ‌لطیدن در این مسئله به دور دارند و به وقت لغزش، پیامدهای زیان‌آفرین آن را چاره کنند.

به دلیل جایگاه والای حکومت علوی در نظام اندیشه‌های اسلامی و شیعی، کاویدن شیوه مواجهه امیرالمؤمنین علی<sup>ع</sup> با لغزش‌های مالی کارگزارانش در راستای ترسیم سیره مدیریتی ایشان - به جهت تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروز - پرسشی شایسته پژوهش می‌نماید. پرسشی که برای پاسخ به آن می‌باشد در مطالعه‌ای تاریخی، با واکاوی داده‌های منابع کهن، سیره مدیریتی حضرت را به بررسی و تحلیل نشست.

### روش پژوهش

با رجوع به منابع کتابخانه‌ای، در نخستین گام با بازخوانی داده‌های تاریخی دیرین نگاشته‌ها، اهتمام امام علی<sup>ع</sup> به امر پیشگیری از افتادن کارگزاران حکومت علوی به لغزش‌گاه‌های مالی بیان خواهد شد و در ادامه با استقرای لغزش‌های مالی برگزیده توسط کارگزاران عصر علوی، به اقدامات عملی امام علی<sup>ع</sup> در مواجهه با لغزش‌ها پرداخته خواهد شد تا از این رهگذر سیره مدیریتی ایشان در مسئله لغزش مالی کارگزاران ترسیم گردد.

### پیشینه

مسئله خیانت مالی موضوعی نیست که از نگاه پژوهش‌گران تاریخ حکومت علوی به دور مانده باشد، لذا در آثار مختلفی این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. جواد سلیمانی در کتاب ریزش خواص در حکومت امیرالمؤمنان به هنگام سخن از خواصی که در باری امام علی<sup>ع</sup> به کوتاهی و قصور دچار آمدند و علی‌اکبری در کتاب سیاست‌های مالی امام علی<sup>ع</sup> در بحث نصب کارگزاران امام علی<sup>ع</sup> به هنگام معرفی این افراد، اختصارگونه به خیانت مالی ایشان نیز اشاره داشته‌اند. اما از اینکه این لغزش مالی چگونه بوده است و امام چگونه در برایر آنها واکنش نشان داده است، سخنی در این آثار به میان نیست. در مقاله «نقش کارگزاران امام علی<sup>ع</sup> در تأیین امنیت اقتصادی» - که تحقیقی با رویکرد آماری است - در ضمن مباحث، موارد خیانت مالی به شیوه آماری ارائه گردیده است. همان‌گونه که آز عنوان مقاله برمی‌آید، نویسنده‌گان (گلمکانی، وکیلی و ناظمیان فرد) با بیان آمار، در صدد نشان دادن وفاداری و کارآمدی کارگزاران امام علی<sup>ع</sup> بوده‌اند و سخن آماری از لغزش مالی در کنار دیگر گونه‌های لغزش، امری تبعی است. تنها ذاکری در کتاب سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> به دلیل رویکرد شرح حال نگاری کارگزاران امام، شرح مبسوط‌تری از خیانت‌های مالی این افراد را بازتاب داده است. در مورد این اثر نیز باید گفت با آنکه به دلیل رویکرد حاکم بر آن، گزارش لغزش‌ها و برخورد امام آمده است اما از آنجا که مسئله این اثر بحث لغزش‌های مالی نبوده است لذا محور مطالعه نیز ترسیم چگونگی مواجهه حضرت با لغزش‌های مالی کارگزارانش نیست.

### گذری بر مفاهیم پژوهش

بدان روی که در این جستار سخن از سیره مدیریتی به میان است، پرداختن به این دو اصطلاح (سیره و مدیریت) امری لازم است. واژه «سیره» از ریشه «سی ر» که بر حرکت و پیمودن دلالت دارد، به معنای طریقت و حالت آمده است.<sup>۱</sup>

۱. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۹۱؛ این منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۳۸۹ - ۳۹۰؛ فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۹۹.

طریقی که نوع رفتار و دوام در آن لحاظ می‌گردد و می‌توان از آن تعبیر به شیوه و سبک رفتاری کرد. باید دانست که این معنا از سیره در روایات و اخبار تاریخی قابل رصد است. از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> سوال شد: هنگامی که قائم<sup>علیه السلام</sup> به پا خیزد، بر کدامین سیره و روش با مردم رفتار می‌کند؟ امام<sup>علیه السلام</sup> فرمود: طبق سیره‌ای که رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> در پیش گرفت. در ادامه راوی می‌پرسد: سیره پیامبر<sup>علیه السلام</sup> چگونه بوده است؟ امام<sup>علیه السلام</sup> پاسخ می‌دهد: آنچه در جاهلیت بود را باطل کرد و در برخورد با مردم، روشی عادلانه داشت.<sup>۱</sup> همچنین امام حسین<sup>علیه السلام</sup> در سؤال از علت حرکت ضد یزید، عمل بر اساس سیره جد و پدر بزرگوارشان را مطرح می‌فرماید.<sup>۲</sup> واژه مدیریت نیز برگرفته از «د و ر» به معنای به حرکت درآوردن و گردانیدن است.<sup>۳</sup> در اصطلاح این واژه را به معنای به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی و سازماندهی برای دستیابی به اهداف سازمانی بر اساس نظام ارزشی مورد قول تعریف کرده‌اند.<sup>۴</sup> باید دقت داشت مفهوم نهفته مدیریت، هدایت تشکیلات انسانی است.<sup>۵</sup>

ترسیم سیره مدیریتی امیرالمؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> در مسئله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی مستلزم کاویدن داده‌های تاریخی دیرین نگاشته‌ها در دو امر است: نخست آنکه امام علی<sup>علیه السلام</sup> به هنگام انتخاب کارگزاران و همچنین در دوران خدمت ایشان، نسبت به احتمال فروغ‌لطیدن آنان در لغزش‌های مالی به چه شاخصه‌های پیشگیرانه‌ای توجه داشته است و دیگر آنکه در زمان بروز لغزش مالی از جانب کارگزاران، امام علی<sup>علیه السلام</sup> به عنوان حاکم جامعه چه رفتاری را در پیش گرفته است؟ در مورد لغزش مالی نیز باید گفت هرگونه تصرف در اموال بیت‌المال که کارگزار حکومتی بر اساس آموزه‌های دین اسلام حق تصرف در آن را نداشته است در قلمرو داده‌ای این مطالعه تاریخی خواهد بود. خواه آنکه کارگزار اموال را به تصرف خود درآورده باشد یا زمینه استفاده یا واکداری آن را به دیگری فراهم آورده باشد.

**جایگاه پیشگیری در سیره مدیریتی امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> در مسئله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی**  
اهمیت جایگاه و تقدم اجرایی پیشگیری بر مقابله، در مسئله لغزش مالی کارگزاران بر کسی پوشیده نیست لذا شایسته می‌نماید حاکمان در راستای صیانت کارگزاران خود از فروغ‌لطیدن به چالش‌های مالی، به مسئله پیشگیری عنايت و پژوه داشته باشند. امری که می‌بایست هم در زمان انتخاب کارگزار بدان توجه داشت و هم در ایام فعالیت او از آن غفلت نکرد.  
اهتمام امام علی<sup>علیه السلام</sup> به امر پیشگیری را می‌توان در محورهای ذیل رصد کرد:

#### ۱. شایسته‌گزینی

مهم‌ترین امر مورد توجه حضرت قبل از انتخاب کارگزاران، مسئله شایسته‌گزینی بوده است. انتخاب کارگزاران بر اساس شایستگی‌ها نه تنها احتمال فروافتادن در لغزش‌گاه‌های مالی توسط ایشان را می‌کاهد بلکه به هنگام بروز لغزش نیز می‌توان با تکیه بر همان شایستگی‌ها امید اصلاح و جبران گذشته را زنده نگاه داشت.

امام<sup>علیه السلام</sup> در عهدنامه خود به مالک‌اشتر، به هنگام سخن از ملاک‌های گزینش کارگزاران، شاخصه‌های شایسته‌گزینی را به اختصار بر وی گوشزد می‌نماید. آنچه که می‌نویسد: کارگزاران را پس از آزمایش به کار گمار ... برای کارگزاری، افراد باتجربه و باحیا را از خانواده‌ای صالح و پارسا که در مسلمانی قدیمی پیشتر و سابقه خدمت دارند جستجو کن.<sup>۶</sup> باید دانست در این عبارت کوتاه، شاخصه‌های گزینش بر اساس آزمایش، تجربه‌محوری، باتقوایی و خداترسی، اصالت و پارسایی خانوادگی، سابقه دینی و توانمندی خدمتی، می‌تواند نشان از اهمیت این ملاک‌ها در نزد حضرت برای انتخاب کارگزاران باشد. در ادامه حضرت دلیل توجه داشتن به این مؤلفه‌ها را چنین بیان می‌کند: زیرا اخلاق چنین افرادی گرامی‌تر، آبروی شان محفوظ‌تر،

۱. طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲. ابن‌أعثم، التفسیر، ج ۵، ص ۲۱.

۳. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۹۵.

۴. رضائیان، اصول مدیریت، ص ۶

۵. همان، ص ۷.

۶. قاضی نعمان، دعائیم الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۱؛ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۳۷؛ نهج البلاغه، ن ۵۳.

طبع شان کمتر و عاقبت نگری شان فزون تر است.<sup>۱</sup> چنان چه از عبارت حضرت مشخص است، بخشی از این شایسته گزینی ناظر به طمع مالی و عاقبت نگری تحلیل شده است که در جهت امر لغش مالی می تواند نشانگر توجه امام باشد.<sup>۲</sup>

## ۲. توجه دادن به بسترهاي بروز لغش مالي

از جمله رفتارهای ارشادی امام علی<sup>ع</sup> به کارگزاران، توجه دادن به بسترهاي فروافتادن در لغش های مالی بوده است. نمونه های بروز یافته در این محور بدین قرارند:

(الف) تبیین آموزه ساده‌زیستی به عنوان اصلی اولیه برای حکومت در اندیشه امام؛ بهدلیل دسترسی کارگزاران به اموال حکومتی، تمایل به بهره‌گیری از اموال و سپک زندگی اشرافی گری، نخستین لغش گاهی است که فراوی ایشان قرار می‌گیرد. رعایت ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات مالی، اصلی اولیه در اندیشه‌های حکمرانی امام علی<sup>ع</sup> بوده است که افزون بر پاییندی خود بدان، رعایت آن از کارگزاران نیز طلب شده است. امام در مواجهه با رفاقت برخی از کارگزاران که هنوز لغش مالی از آنان سر نزد بود ولی رفاقت در پیش گرفته شده می‌توانست به مسیر لغش آنان متنه باشد، به تبیین آموزه ساده‌زیستی بر ایشان می‌پرداخت.

زياد بن ابيه از کارگزاران حکومت علوی در بصره بود که گاه - به عنوان جاشين عبادلله بن عباس در غیاب وی - عهدهدار امور می‌شد.<sup>۳</sup> زياد در شیوه زندگی به تجمل گرایی تمایل داشته است لذا در نامه‌های متعددی از امام به زياد، مستله ساده‌زیستی مورد تأکید قرار گرفته است. در يك از اين نامه‌ها آمده است: پس در مصرف مال زياده روی مکن و ميانه رو باش. در امروز به ياد فردا باش و به اندازه نيازمندي خود از دارايی پسانداز نما و زياده بر آن را جهت روز نيازمنديت پيش فرست.<sup>۴</sup> در ماجراهی ديگر فرستاده‌ای از جانب حضرت اموال بصره به جانب زياد می‌رود اما میان وی و زياد نزاعی حاصل می‌آيد و در بازگشت امام را از نوع رفاقت زياد باخبر می‌سازد. آنگاه امام دست به قلم می‌برد و در بخشی از نامه خود می‌نگارد: به من خبر رسید که تو از غذاهای رنگارنگ در يك روز استفاده می‌کني و هر روز خود را با استعمال روغن می‌آرایي. چه می‌شد اگر برای خدا روزهای را روزه می‌گرفتی و مقداری از آنچه نزد توست صدقه می‌دادی که مورد حساب واقع می‌شد و غذایت را ساده و بدون خوش می‌خوردی زیرا که سادگی در زندگی شعار صالحان است.<sup>۵</sup> اين که حضرت بر خود می‌بیند که کارگزار حکومت علوی را به ساده‌زیستی رهنمون شود با اينکه هزینه کرد اين آراستگی و تجمل از اموال بيت‌المال نبوده و از مال شخصی کارگزار بوده است، می‌تواند نشان از جایگاه رعایت ساده‌زیستی توسط کارگزاران در نزد امام داشته باشد. عثمان بن حنیف ديگر کارگزاری است که از جانب حضرت به رعایت مشی ساده‌زیستی رهنمون می‌شود. عثمان در آغازین ايام خلافت، حضرت والی بصره بود. روزی او را به سفرهای فراخواندند که اشراف بصره در کنار آن گرد آمده بودند و تهی دستان را بر اين خوان گسترانیده شده از غذاهای رنگارنگ راهی نبود. چون امام از واقعه خبر یافت به عثمان نوشت: اى پسر حنیف به من خبر رسیده است تو را بر سفرهای فراخوانده‌اند و تو به سوی آن شتافته‌ای. خوردنی‌های رنگارنگ و نیکو برایت آورده‌اند و کاسه‌های بزرگ بی‌دریبی برادر تو نهاده‌اند. گمان نمی‌کردم تو مهمانی مردمی را بپذیری که نيازمندان شان را به جفا رانده‌اند و توان گران‌شان را خوانده‌اند. آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که باید از او پیروی کند. بدان که پیشوایی شما از دنیا به دو جامه فرسوده و از خوردنی‌ها به دو قرص نان بستنده کرده است.<sup>۶</sup>

اینکه امام عثمان را به پیروی از سیره ساده‌زیستی خود رهنمون می‌گردد، نشان از لزوم دقت در امر ساده‌زیستی کارگزاران است.

ب) جلوگیری از انباشت اموال: از آنجا که انباشت اموال نزد کارگزاران، می‌توانست زمینه‌ساز لغش مالی گردد، لذا در

۱. همان؛ قاضی نعمان، دعائی الاسلام، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲. برای آگاهی از شاخصه‌های گرینش کارگزاران: ر.ک: علی‌اکبری، سیاست‌های مالی امام علی<sup>ع</sup>، ص ۱۳۰ - ۱۲۰.

۳. نهج البلاغه، ن ۲۰.

۴. همان، ن ۲۱.

۵. ابن أبي‌الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۹۷ - ۱۹۶.

۶. عرنجع البلاغه، ن ۴۵.

سیره امام علی<sup>ع</sup> توجه به هزینه کرد به موقع و عدم انباشت اموال، قابل رصد است.

امام علی<sup>ع</sup> در نامه‌ای به ابن عباس - والی حضرت در بصره - می‌نویسد: «به آنچه از غلات مسلمانان و غنائم متعلق به ایشان است بنگر، پس آن را بین افرادی که نزد ما هستند تقسیم کن تا ایشان را بینیاز سازی و باقی‌مانده آن را نزد ما بفرست تا میان کسانی که نزد ما هستند تقسیم کنیم.»<sup>۱</sup> مشابه این نامه را در مکاتبه امام با سلیمان بن صرد خزاعی - والی امام در منطقه جبل<sup>۲</sup> - مشاهده می‌کنیم. امام به وی نیز می‌نگارد: «مقدار حقوق جمع شده نزد خود را به من اطلاع بده و پس از آن حق صحابان سهم را پرداخت کن و باقی‌مانده آن را نزد ما بفرست تا میان افرادی که نزد ما هستند، تقسیم کنیم.<sup>۳</sup> از این نامه‌ها به روشنی برمی‌آید که امام، کارگزاران خود را به بررسی اموال موجود در بیت‌المال و تقسیم آن فرمان می‌دهد و ایشان را موظف می‌سازد تا اضافی اموال را نزد خود نگاه ندارند، بلکه به دارالخلافه ارسال نمایند تا حضرت آن را به مصرف واقعی - میان مسلمانان - رساند.

ج) قطع طمع نزدیکان: از جمله آسیب‌هایی که کارگزاران حکومتی را به چالش می‌کشاند، طمع نزدیکان ایشان به قدرت و ثروت حاصل از آن سمت‌ها است. مسئله‌ای که در روزگار امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> نیز - علی‌رغم تذکرات پیش‌گیرانه ایشان - برخی از کارگزاران بدان گرفتار آمدند. در عهدنامه حضرت به مالک اشتر این نگاه پیش‌گیرانه با این عبارات چهره نشان داده است. آنجا که حضرت به مالک نوشته است: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاول‌گرند و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستم کاری‌شان را با بریدن اسباب آن بخشکان.»<sup>۴</sup>

### ۳. عنایت به حقوق مالی کارگزاران

از دیگر محورهای پیش‌گیرانه قابل رصد در رفتار امام علی<sup>ع</sup> نسبت به لغتش مالی کارگزاران حکومت علوی، توجه به مسئله پرداخت مناسب حقوق مالی این افراد است.

زمانی که امام علی<sup>ع</sup> مخفف بن سلیم را به عنوان عامل جمع‌آوری صدقات و زکات برگزید، در نامه‌ای به وی چگونگی رفتار با مردم را در این باب گوش‌زد نمود. در بخشی از این نامه امام می‌نگارد: «در این صدقات برای تو حق و نصیبی معین است. اما تو شریکانی مانند فقرا، مساکین، بدھکاران، مجاهدین، در راه ماندگان، بندگان و الفت‌پذیران داری. ما حق تو را می‌دهیم، تو نیز حق ایشان را پرداخت نما.»<sup>۵</sup> امام در این نگاشته به کارگزار خود اطمینان می‌دهد که او را بابت زحمت فراروی حق خواهد بود که حضرت پرداخت آن را تعهد می‌کند لذا او نیز دقت نماید تا وظیفه محله را درست به انجام رساند چراکه افراد فراوانی در این اموال حق دارند که باید این اموال به آنها رسانیده شود. در بخشی از فرمان امام علی<sup>ع</sup> به مالک اشتر نخست - هنگامی که وی را راهی مصر کرد - آمده است: «از رش عمل و رنج هر کس را برای خودش بشناس و تلاش یکی را به حساب دیگری مگذار و در پاداش او به اندازه رنجی که دیده و زحمتی که کشیده است، کوتاهی مکن. مبادا شرافتِ جایگاهی کسی باعث شود که تلاش اندک وی را بزرگ شماری و گمنامی مردی سبب گردد که کوشش سترک او را خود به حساب آوری.»<sup>۶</sup> البتہ باید متنذکر گردید که این سفارش حضرت تنها در توجه به پرداخت حقوق خلاصه نمی‌شود بلکه به اندیشه در میزان حقوق کارگزاران حکومتی نیز توجه شده است. در فقره دیگری از این فرمان، به هنگام سخن از انتخاب کارگزاران شایسته می‌فرماید: «سپس حقوق کافی به آنها بده زیرا این کار، آنان را در اصلاح خویش تقویت می‌کند و از خیانت در اموالی که در دست آنها است، بینیاز می‌سازد. همچنین تو را حجتی خواهد بود در هنگامی که از دستورات سرپیچی کنند یا در امانت، خیانت ورزند.»<sup>۷</sup> در این فرمان‌ها توجه به دستمزد پرداختی به کارگزاران - برحسب

۱. منقري، وقعة صفين، ص ۱۰۶.

۲. منطقه‌ای بین واسط و نعمانیه بوده است. (حموي، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۰۳)

۳. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۶.

۴. نهج البلاغه، ن ۵۳.

۵. قاضی نعمان، دعائیم الإسلام، ج ۱، ص ۲۵۲؛ نهج البلاغه، ن ۲۶.

۶. عز قاضی نعمان، دعائیم الإسلام، ج ۱، ص ۳۵۹؛ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۳۴؛ نهج البلاغه، ن ۵۳.

۷. ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۳۷؛ نهج البلاغه، ن ۵۳؛ قاضی نعمان، دعائیم الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۱.

تلاش و زحمتِ انجام شده - مطرح است. بدین معنا که در پرداخت حق الزحمه، حقوق باید مناسب با عمل انجام شده و فارغ از جایگاه اجتماعی و خاندانی افراد باشد. افزون بر اینکه پرداخت حقوق می‌باشد متناسب با جایگاه مسئولیتی و تلاش انجام شده برای بهثمر رسانیدن کار باشد، پاسخ‌گویی به نیاز اقتصادی کارگزار نیز باید در پرداخت حقوق ملاک قرار گیرد تا بستر اندیشیدن به خیانت مالی به جهت عدم درآمد مناسب برای مخارج زندگی بر وی مهیا نیاید.

#### ۴. نظارت نامحسوس

ارزش‌یابی و کنترل فعالیت‌های کارگزاران، ابزاری مهم در پیشگیری از لغزش مالی کارگزاران است. امام علی<sup>ؑ</sup> در فرمان خود به مالک اشتر در مورد گزینش کارگزاران، پس از بیان ملاک‌های گزینش و توجه‌دادن به وسعت رزق بر ایشان، می‌نگارد: ... زان پس کارهای آنان را زیر نظر گرفته و بررسی‌نما و چشم‌هایی راست‌گو و وفایپشه بر ایشان بگمار. امام علی<sup>ؑ</sup> در ادامه این فرمان، دلیل آن را چنین بیان می‌دارد: زیرا مراقبت نهانی تو در کارهای شان، آنان را به رعایت امانت و مهربانی بر رعیت وامی دارد.<sup>۱</sup> این بخش از فرمان، حکایت‌گر آن است که پس از انتصاب کارگزاران هرچند شایسته، نباید ایشان به حال خود رها گردند بلکه حاکم می‌بایست اعمال و فعلیت‌های آنان را تحت‌نظر داشته باشد و با گماشتن افرادی راست‌کردار و قابل اطمینان، اطلاعات لازم را از رفتار کارگزاران خود به دست آورد تا قبل از فروافتادن در لغزش‌گاهها ایشان را زنهار داده و در صورت بروز خطأ به حسابرسی کشاند. چنان‌چه در موارد فراوانی - که خواهد آمد - امام با این ابزار، کارگزاران خود را از درگل‌طیدن در لغزش‌گاه مالی زنهار داد و خاطیان را به محاسبه فراخواند. شاهد عملی این توصیه نامه حضرت به کعب است: امام علی<sup>ؑ</sup> به کعب بن مالک - یکی از کارگزاران خود - نوشت: در راستای انجام اعمال محول شده، فردی را جانشین خود ساز و به همراه برخی از بیانات به جانب منطقه سواد<sup>۲</sup> برو. در آنجا از کارگزاران و عاملان اجرایی من که میان دجله و منطقه عذیب به فعالیت مشغول هستند، جستجو کن و در اعمال و رفتار ایشان بنگر. سپس از آنچه انجام داده‌ای مرا آگاه ساز.<sup>۳</sup> افزون بر نظارت‌های خصوصی، اهتمام حضرت به نظارت عموم مسلمانان بر رفتار کارگزاران نیز مطرح است. زمانی که ابوالأسود - مسئول بیت‌المال بصره - امام علی<sup>ؑ</sup> را از خیانت مالی حاکم بصره آگاه می‌سازد، امام علی<sup>ؑ</sup> در نامه‌ای به وی ضمن ارجونهادن به اطلاع‌رسانی خبرخواهانه ابوالأسود، انتظار چنین رفتاری از او را در ادامه نیز بیان می‌دارد.<sup>۴</sup>

#### امیرالمؤمنین در مواجهه با لغزش‌های مالی کارگزاران

کمین‌گاه لغزش مالی همواره کارگزاران حکومتی را به چالش فرامی‌خواند. علی‌رغم شایسته‌گزینی و رعایت مسائل پیشکیرانه همچنان نمی‌توان به فرو نیفتدن کارگزاران در این دام، امید کامل داشت. از این‌رو حاکمان می‌بایست به هنگام مواجهه با این امر، به مدیریت آن اقدام نمایند.

راهکارهای رصد شده از شیوه مواجهه امیرالمؤمنین با لغزش‌های مالی کارگزاران حکومت علوی را می‌توان براساس چیدمانی مرحله‌ای، چنین ارائه کرد:

##### ۱. اطلاع‌رسانی خیرخواهانه

سخن‌گفتن از خطر، نخستین راهکاری است که امام علی<sup>ؑ</sup> در راستای آگاه‌ساختن کارگزاری که در معرض اتهام مالی است، از آن سود جسته است. البته باید گفت که نشانه بارز این اطلاع‌رسانی، توجه‌دادن کارگزار به تقوای الهی و به دور نگاه‌داشتن خود از رفتارهای اتهام‌برانگیز است.

۱. همان؛ ابن شعبه، *تحف العقول*، ص ۱۳۷؛ *نهج البلاعه*، ن ۵۳.

۲. منطقه‌ای در عراق که از منطقه حلوان در جبل تا منطقه عذیب در قادسیه گسترشده بوده است. (ابن فقیه، *البلدان*، ص ۳۷۷)

۳. یعقوبی، *تاریخ الیقووبی*، ج ۲، ص ۲۰۴.

۴. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۰.

بیزید بن قیس همدانی ارجبی از جانب امام، زمانی مسؤولیت حکمرانی بر مدائن<sup>۱</sup> و زمانی والی اصفهان را بر عهده داشت.<sup>۲</sup> بیزید در ارسال خراج منطقه خود تعلل ورزید. امام در نامه‌ای به وی نوشت: «تو در پرداخت و فرستادن خراجات تأخیر داشتی. من علت آن را نمی‌دانم، اما تو را به تقوای الهی دعوت می‌نمایم و تو را برحد مردارم از دارم از اینکه اجر و پاداش خویش را ضایع نمایی و جهاد خود را با خیانت به مسلمانان باطل سازی.»<sup>۳</sup> زمانی که احتمال خیانت در بیت‌المال از جانب نعمان بن عجلان - والی بحرین - چهره نمایاند، امام علی<sup>ع</sup> در نامه‌ای وی را نسبت به مسیر در پیش گفته شده زنهار می‌دهد و تلاش دارد تا با ارشاد وی، در صورت صحت خبر، مسیر بازگشت و اصلاح رفتار را فراهم آورد.<sup>۴</sup> نعمان از بنی‌زریق و در شمار انصار بود. وی در سروden شعر مهارت داشت و در میان قوم خود از احترام و جایگاه اجتماعی برخوردار بود.<sup>۵</sup> این نامه توسط بلاذری در انساب الأشراف و یعقوبی در تاریخ البیهقی<sup>۶</sup> بازنگارش یافته است. بازنگارش بلاذری از این نامه چنین است: «کسی که امانت را ادا نماید و حق الهی را در نهان و آشکار مراتعات نماید و نفس و دین خود را از خیانت به دور دارد؛ سزاوار است به اینکه خداوند بر درجات وی بیفزاید و برترین ثواب نیکوکاران را نصیب وی گرداند و کسی که نفس و دین خود را از خیانت کاره ندهد، به خود در دنیا ضرر رسانیده است و خود را در آخرت گرفتار ساخته است. پس از خدا در خلوت و جلوت پروا نما و از غافلان از آخرت خود مباش. همانا تو از خاندانی شایسته در امر تقوی، پرهیزگاری و ادای امانت می‌باشی. پس رفتار به گونه‌ای باشد که من نسبت به تو ظن نیکو داشته باشم.»<sup>۷</sup> اما یعقوبی نامه را چنین بازنگارش کرده است: «کسی که نسبت به امانت کوتاهی کند و در خیانت رغبت نشان دهد و نفس و دین خود را پاکیزه ننماید، او به خود در دنیا ضرر رسانیده است و آنچه بعدها بدان گرفتار می‌آید، تلخ تر و بادوام‌تر و بدتر و طولانی تر خواهد بود. پس از خدا بترس! تو از قومی هستی که دارای شایستگی هستند، رفتار به گونه‌ای باشد که من نسبت به تو ظن نیکو داشته باشم و از آنچه به من خبر رسیده است، اگر واقعیت باشد، برگرد و نظر مرا در برابر خودت تغییر مده. خراج منطقه‌هات را برسی کرده، برای من بنویس تا رأی خود را برایت اعلام کنم.»<sup>۸</sup> بازنگارش بلاذری با فضای ارشادی و باز نگاه‌داشتن مسیر برای جبران خیانت احتمالی، همسویی بیشتری دارد؛ در حالی که در متن یعقوبی به نوعی خیانت روی‌داده، مسلم فرض شده است و حضرت در صدد حسابرسی می‌باشند.

از آنجاکه امام علاوه بر حاکم سیاسی جامعه، رهبری مذهبی و هدایت مردمان به سعادت اخروی را نیز عهده‌دار است، در نخستین گام، کارگزار خود را به اتهامی که بدان گرفتار آمده است، توجه می‌دهد و ضمن این اطلاع‌رسانی بسان پدری دلسوز با بهره‌گیری از فریضه نهی از منکر، کارگزارش را از فروافتادن در لغزش نسبت به اموال مسلمین زنهار می‌دهد. شایان تذکر آنکه این راهکار در برونو رفت از چالش، کارآیی خود را نشان داده است. در مورد بیزید بن قیس و نعمان بن عجلان، عدم پیگیری اتهام لغزش مالی آنها از جانب امام علی<sup>ع</sup> نشانگر آن است که راهنمایی خیرخواهانه امام، ایشان را متوجه اتهام نموده است و آنها با اصلاح رفتار از قلمرو اتهام بیرون شده‌اند.

## ۲. بررسی اخبار لغزش مالی کارگزاران

از داده‌های تاریخی در شیوه مواجهه امام علی<sup>ع</sup> با اتهامات مالی کارگزارانش بدست می‌آید که حضرت از اخبار اتهامات مالی به سادگی گذر نکرده و به بررسی آنها اهتمام داشته است.

در نامه‌ای از حضرت خطاب به زیاد بن ایه آمده است: «همانا صادقانه به خدا سوگند یاد می‌کنم که اگر به من گزارش رسید که تو در بیت‌المال به چیز اندک یا زیاد خیانت کرده باشی بر تو سخت خواهم گرفت؛ چنان سخت‌گیری‌ای که تو را

۱. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۱۵۳.

۲. طبری، تاریخ الأئمّة والملوک، ج ۵، ص ۶۵؛ طوسي، رجال الطوسي، ص ۶۷.

۳. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۰؛ یعقوبی، تاریخ البیهقی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۴. همان، ص ۲۰۱؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.

۵. ابن عبدالبر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۰۱.

۶. عربلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۵۹.

۷. یعقوبی، تاریخ البیهقی، ج ۲، ص ۲۰۱.

کم‌مایه، گران‌پشت و ذلیل و خوار گرداند.<sup>۱</sup> زیاد در این زمان کارگزاری فارس را عهده‌دار بود.<sup>۲</sup> از گزارش بلاذری مشخص می‌گردد که حضرت فرستاده‌ای را جهت تحویل خراج منطقه به نزد او گسیل می‌دارد. زیاد بخشی از خراج را تحویل می‌دهد و در مورد مابقی آن به فرستاده اظهار می‌دارد: گروه خاصی از مردمان منطقه (اکراد) در دادن خراج تعلي ورزیده‌اند اما من تلاش دارم تا خراج را از ایشان بستنم، تو این مطلب را از امیر مؤمنان پوشیده‌دار، مبادا که مرا در کوتاهی نسبت به جمع‌آوری خراج مُؤاخذه فرماید.<sup>۳</sup> در نقل یعقوبی نیز کسری خراج از جانب زیاد به فتنه اکراد منطقه و از بین رفتن اموال منتسب شده است که امام این ادعا را نپذیرفته و از او فرستادن خراج را طلب می‌کند.<sup>۴</sup> این ماجرا حکایت‌گر آن است که امام نسبت به مسئله لغش مالی کارگارانش حساس بوده است.

داده‌های تاریخی در این بررسی‌ها را می‌توان این گونه تقسیم کرد:

(الف) بررسی و رفع اتهام: در مواردی ممکن است اخبار حاصله در خیانت افراد، اتهامی بیش نباشد و فرد گزارش‌دهنده در برداشت خود به اشتباه رفته باشد. از سوی دیگر منطق حکم می‌کند اخبار مرتبط با لغش‌های مالی – بدليل جایگاه آن – مورد توجه باشند و از نظر به دور داشته نشوند. بررسی در راستای کشف حقیقت راهکاری است که می‌باشد در این موارد از آن بهره گرفت.

از نامه امام به مصقله بن هبیره شبیانی که از جانب حکومت علوی والی گری «اردشیر خوره» (از شهرهای منطقه فارس تقریباً فیروزآباد کنونی) را عهده‌دار بود،<sup>۵</sup> بر می‌آید که وی به بخشش بیت‌المال بر خوبی‌شواندنش متهم بوده است. در قسمتی از نامه حضرت آمده است: خبری از تو به من رسیده است که باور آن بر من گران است. تو اموال مسلمانان را در میان بستگان قسمت می‌کنی.<sup>۶</sup> امام علی<sup>۷</sup> در نامه خود بر این نکته تأکید دارند که خبر حاصله را مورد بررسی قرار خواهد داد تا حقیقت امر آشکار گردد.<sup>۸</sup> مصقله نیز در جواب حضرت می‌نویسد: «نامه امیر المؤمنین به من رسید. پس بررسی فرما و هرگاه خبر درست باشد مرا پس از مجازات باشتاب از کار برکنار نما». در ادامه وی به حضرت اطهینان می‌دهد از زمان پذیرش مسئولیتش تا کنون دینار و درهمی از بیت‌المال را به ناحق مصرف نساخته است. حضرت نیز پس از بررسی، وی را از اتهام واردہ تبرئه می‌کند.<sup>۹</sup> منذر بن جارود عبدی نیز از کارگزارانی است که به بذل و بخشش بیت‌المال به خوبی‌شان خود متهم بوده است. وی کارگار منطقه اصطخر در فارس بوده است.<sup>۱۰</sup> در بخشی از نامه هفتاد و یکم نهج‌البلاغه خطاب به منذر آمده است: «به من گزارش رسید در تبعیت از هوای نفس دست بردار نیستی و ذخیره‌ای برای آخرت باقی نمی‌گذاری، با ویران کردن آخرت دنیا بیت را آباد می‌کنی و به قیمت جداشدن از دینت به خوبی‌شانت می‌پیوندی.»<sup>۱۱</sup> در گزارش بلاذری از نامه حضرت به منذر نیز مسئله بذل و بخشش بر اقام، به وضوح چهره نشان می‌دهد. در بخشی که حضرت برای وی نگاشته است: «به من خبر رسیده ... دست خود را در مال خدا برای کسانی که از خوبی‌شانت به نزد تو می‌آیند باز گذاشتند؛ گویی که این اموال میراث تو از پدر و مادرت می‌باشد...». وی بعد از فراخوانی به دارالخلافه از والی گری بر اصطخر عزل می‌گردد. آنگاه به جهت مشخص شدن اتهام جبس می‌گردد. پس از مدتی صعصعة بن صوحان از اصحاب خاص امام از حضرت طلب بخشش برای منذر نمود و اعلام داشت خود ضامن پرداخت‌های منذر به بستگانش خواهد بود. اما امام فرمود:

۱. نهج‌البلاغه، ن ۲۰.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۲.

۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۵. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۰؛ نهج‌البلاغه، نامه ۴۳.

۶. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۰؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۱؛ نهج‌البلاغه، نامه ۴۳.

۷. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۰.

۸. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۹. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۳.

۱۰. نهج‌البلاغه، ن ۷۱.

۱۱. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۳.

منذر منکر آن است که چیزی از بیت‌المال را برگرفته باشد و در صورتی که بر این گفتار خود قسم یاد کند، او را آزاد خواهم ساخت. سرانجام منذر قسم یاد کرد و آزاد گردید.<sup>۱</sup>

(ب) پرسی و طلب پاسخ‌گویی: فراخوانی کارگزار به حسابرسی و پاسخ‌گو بودن به آنچه در قلمرو اختیاراتش به وقوع پیوسته است، دیگر راهکاری است که از جانب امام علی<sup>ع</sup> برای چهره‌نمایاندن حقیقت به کار گرفته شده است.

چون گزارش می‌رسد که ابن عباس در مسئولیت خود نسبت به اموال بصره کوتاهی داشته است، امام در نامه‌ای به وی چنین می‌نگارد: به من گزارش رسیده است که آنچه در اختیارت بوده برگرفته‌ای و آنچه در دستت بوده خورده‌ای. اکنون حساب دریافتی‌ها و هزینه‌کرد خوش را برای من بفرست.<sup>۲</sup> با آنکه ابن عباس در نامه‌ای به امام مدعی می‌گردد که آنچه به ایشان رسیده است، صحیح نمی‌باشد و او حساب اموال بصره را به دقت ثبت و ضبط نموده است و از حضرت تقاضا دارد تا به این‌گونه گزارش‌ها وقی ننهد،<sup>۳</sup> اما امام در پاسخ وی می‌نویسد: «برای من ممکن نیست تو را رها سازم مگر آینکه به اطلاع من برسانی آنچه از جزیه گرفته‌ای کجاست و آنچه خرج نموده‌ای در چه مورد بوده است.»<sup>۴</sup> در نمونه دیگر یزید بن حُبَّیْہ تیمی - والی ری و دستی<sup>۵</sup> - با کسری در خراج مواجه شد. امیرالمؤمنین او را احضار کرد و کسری خراج را مطالبه نمود.<sup>۶</sup> همچنین آمده است که چون امام علی<sup>ع</sup> به خلافت رسید، اشعث بن قیس کنده را که از طرف عثمان بن عفان حاکم آذربایجان بود، مدت کوتاهی در مقامش ابقاء کرد.<sup>۷</sup> هرچند داده‌های منابع در مورد لغزش مالی اشعث سخن آشکاری ندارند اما از نامه ارسالی حضرت به وی که بلاذری و یعقوبی گزارش کرده‌اند، چنین برمی‌آید که اشعث نیز به لغزش مالی متهشم بوده است. امام در بخشی از نامه خود به اشعت نگاشته است: «هرگاه فرستاده من نامه‌ام را به تو داد به سوی ما بیا و آنچه از اموال مسلمانان نزد تو می‌باشد را به همراه بیاور.»<sup>۸</sup> بلاذری بر آن است که امام به حسابرسی از اشعت پرداخت و اشعت که این شیوه رفتار را بر نمی‌تابید به مکاتبه با معاویه روی آورد.<sup>۹</sup> دلیل ناراحتی اشعت را می‌توان در گزارش عدم پرداخت تعهد مالی مصلقه بن هبیره رصد کرد. در آنجا آمده است که مصلقه انتظار داشت همان‌گونه که عثمان تمام یا بخشی از خراج آذربایجان را بر اشعت می‌بخشیده است، امیرالمؤمنین نیز نسبت به مصلقه چنین روشنی در پیش گیرد.<sup>۱۰</sup> به نظر می‌رسد اشعت نیز بر آن بوده است که حضرت به حسابرسی از وی اهتمام نداشته باشد.

### ۳. بازنگاه‌داشتمن مسیر اصلاح

ازجمله راهکارهای قابل رصد در شیوه مواجهه امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> با لغزش‌های مالی کارگزاران، امید به توبه و جبران خطای انجام شده است. مسئله‌ای که می‌تواند در پیوند با وظیفه هدایت‌گری امام باشد. بدین‌معنا که بازگشت متبهانه کارگزار به مسیر حقیقت و جبران اشتباهات به سبب ندای وجدان، بر امام خوشت از آن است که با توصل به زور و اعمال قدرت این امر حاصل آید.

امید به اصلاح را می‌توان در این راهکار رصد کرد:

الف) آکاهی دادن به جایگاه فردی و خاندانی: یادآوری ویژگی‌ها، افتخارات و جایگاه فردی و خانوادگی افراد که باعث شده بود تا او شایستگی خدمت بیابد، راهکار دیگری است که در راستای مقابله با لغزش‌های مالی کارگزاران، امام<sup>ع</sup> از آن

۱. یعقوبی، *تاریخ البیهقی*، ج ۲، ص ۲۰۴.

۲. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۷۰: *نهج البلاعه*، ن ۴۰.

۳. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۷۰.

۴. همان؛ طبری، *تاریخ الأمام و الملوك*، ج ۵ ص ۱۴۱ - ۱۴۲؛ ابن اعثم، *الفتوح*، ج ۴، ص ۲۴۲.

۵. شهری بزرگ در میان ری و همدان بوده است. (ابن فقيه، *البلدان*، ص ۵۵۶)

۶. همان؛ طبری، *تاریخ الغارات*، ج ۲، ص ۵۲۶ - ۵۲۵؛ ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۳، ص ۲۸۸ - ۲۸۷.

۷. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۵۹.

۸. همان؛ یعقوبی، *تاریخ البیهقی*، ج ۲، ص ۲۰۰.

۹. بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۲، ص ۲۹۷ - ۲۹۶.

۱۰. همان، ص ۴۱۶؛ ثقیفی، *الغارات*، ج ۱، ص ۳۶۵.

سود جسته است. باید دقت داشت که استفاده حضرت از این راهکار با توجه به ساختار قبیله‌ای جامعه آن عصر و تأثیر خوش‌نامی و بدنامی افراد بر تمدنی اهل خاندان قابل درک است.

در نگارش نامه به نعمان بن عجلان، حضرت بر منتبه بودن وی به قبیله‌ای که نام نیکو از خود در مسئله ادائی امانت به یادگار نهاده‌اند اشاره می‌کند تا وی را از مخدوش ساختن این افتخار خاندانی برحدار دارد، شاید بهدلیل اهمیت و جایگاه افتخارات قبیله در اندیشه‌های عرب صدر اسلام، نعمان - در صورت قدم نهادن در مسیر خیانت - در صدد اصلاح برآید.<sup>۱</sup> امام علی<sup>ؑ</sup> در نامه‌ای به این عباس به هنگام مطرح بودن خیانت وی در بیت‌المال بصره می‌نگارد: من تو را در امانت (حکومت) خود شریک و انباز خویش قرار دادم و تو را محروم اسرار و مشاور ویژه خود ساختم و هیچ یک از خویشانم مطمئن‌تر از تو نزد من برای موافقت حق و پشتیبانی و یاری من و ادای امانت به من نبود. اما چون دیدی که روزگار بر عموزاده‌ات سخت گرفته است و دشمن بر وی برافروخته و خشمگین شده است و امانت مردم تباہ گردیده و این امتنی بی‌میلات و بی‌باکشده، پراکنده گردیده‌اند؛ به پسر عمومیت پشت کردی.<sup>۲</sup> از این عبارات برمی‌آید که حضرت تلاش دارد تا با یادآوری و آگاهی دادن این عباس نسبت به جایگاه وی نزد امام و سخن از تلخ کامی‌های روی داده بر امام و شرایط جامعه اسلامی، این کارگزار خود را از ادامه مسیر در پیش گرفته شده بر حذر دارد.

(ب) **بادآوری مجازات الهی:** سخن کردن از مجازات الهی با افراد باورمند به معاد، ابزاری است که می‌توان به آن امید داشت تا به جبران خطای خود اقدام نمایند.

پس از نامه‌های پیاپی، چون حضرت، این عباس را بر آن می‌باید که اموال مورد تعرض بیت‌المال بصره را حق خود می‌بیند، در آخرین مرقومه خود پس از بیان شگفتی از رفتار در پیش گرفته شده توسط این عباس، چنین می‌نویسد: «صبر کن! گویا به انتهای رسیده‌ای و بر پروردگارت عرضه شده‌ای و گویا به جایگاهی رسیده‌ای که آرزوی بازگشت داری و کسی که توبه را ضایع کرده نیز چنین آرزوی دارد؛ حال آنکه چنین نیست و آن هنگام زمان فرار نیست». در این عبارات، حضرت زمان فرارسیدن بازخواست الهی را ترسیم می‌نماید. در ماجراهای خیانت نعمان بن عجلان طبق - گزارش یعقوبی - امام برای کارگزارش چنین نوشت: «کسی که نسبت به امانت کوتاهی کند و در خیانت رغبت نشان دهد و نفس و دین خود را پاکیزه ننماید، به خود در دنیا ضرر رسانیده است و آنچه بعدها بدان گرفتار می‌آید تلخ‌تر و بادوام‌تر و بدتر و طولانی‌تر خواهد بود. پس از خدا بترس!»<sup>۳</sup>

#### ۴. پیکری بازگرداندن اموال

زمانی که مشخص گردد کارگزاری در هزینه‌کرد اموال به لغش دچار آمده است، بازگرداندن اموال مورد انتظار است. در شیوه مواجهه امیرالمؤمنین<sup>ؑ</sup> با این امر مشاهده می‌گردد که حضرت تا بازگردانیده شدن این‌گونه اموال به بیت‌المال، پیگیر مسئله بوده‌اند.

با آنکه مصقله بن هبیره از اتهام بخشناسی بیت‌المال بر خویشانش تبرئه گردید اما در ماجراهی تعهد پرداخت هزینه آزادی اسیران، به کوتاهی در ادای دین و اندیشه بخشناسی ناصواب کشانیده شده است. آمده است که گروهی از اسرا را - به جهت رسانیدن به دارالخلافه - از منطقه حکومتی مصقله عبور می‌دادند. در دیدار مصقله از این اسیران، آنان خواهان ترحم و آزادی شدند. مصقله تحت تأثیر فضای روی داده، با عهددار شدن پرداخت هزینه آزادی اسیران از دارایی خودش به بیت‌المال، آنان را خریداری کرد و سپس آزاد ساخت. اما در ادامه نسبت به پرداخت تعهد مالی صورت گرفته کوتاهی نمود. امیرالمؤمنین مبلغ ضمانت شده را از وی طلب کرد. مصقله بخشی از آن را پرداخت ولی در پرداخت بخش دیگر به مشکل دچار آمد.<sup>۴</sup>

۱. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۷۴؛ کشی، رجال الكشي، ص ۶۱ - عَنْهُجَ الْبَالِغَهُ، ن ۴۱.

۳. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۷۶؛ کشی، رجال الكشي، ص ۶۵ عَنْهُجَ الْبَالِغَهُ، ن ۴۱.

۴. یعقوبی، تاریخ المعقوبی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۵. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۱۶؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۱۳۰ - ۱۲۸؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۰۸؛ ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۴، ص ۲۴۵ - ۲۴۴.

چون امیرالمؤمنین علی<sup>ع</sup> از ماجرا آگاهی یافت، در نامه‌ای مصقله را به پرداخت مال تعهد شده فرمان داد. مصقله بخشی از آن را پرداخت ولی در ادای کامل تمهد دچار مشکل شد. با آنکه آمده است امام بر آن بود تا برای پرداخت، مهلت لازم در اختیار مصقله قرار گیرد یا اینکه وی را در ادای دین یاری رساند اما مصقله با رفتن نزد معاویه این فرصت را از خود سلب کرد. امام در واکنش به این اقدام فرمود: او چونان بزرگان قصد بخشیدن کرد ولی بسان بردگان گریخت. مشکل اصلی این ماجرا آن بود که مصقله انتظار داشت تا امام علی<sup>ع</sup> بهدلیل جایگاه اجتماعی وی، از بازپرداخت این تعهد چشمبوشی نماید همان‌گونه که عثمان و معاویه چنین روشه را داشتند. در حالی که این بر خلاف سیره امام علی<sup>ع</sup> بود. هرچند پس از این خیانت، مصقله تصمیم به بازگشت گرفت و امام نیز مسیر بازگشت را بر وی هموار ساخت اما توفیق حضور دویاره در کنار امام برایش حاصل نگردید.<sup>۱</sup> آمده است که پس از خیانت مصقله و فرار وی به جانب معاویه، امام علی<sup>ع</sup> خانه وی در کوفه را ویران ساخت.<sup>۲</sup> همچنین آمده است که یکی از کارگزاران امام به نام سعد بن عمرو انصاری در مسئله خراج دچار لغزش مالی گردید. امام علی<sup>ع</sup> وی را در مسجد به ستونی بست تا کسری خراج را جبران کرد.<sup>۳</sup> زمانی هم که ابن عباس پافشاری امام علی<sup>ع</sup> را در مورد حسابرسی اموال بصره مشاهده می‌کند، از بصره به مکه می‌گریزد تا در دسترس امام برای محاسبه قرار نداشته باشد.<sup>۴</sup>

## ۵. مجازات

کاربست راهکار مجازات - به عنوان آخرین مرحله از مقابله با کارگزاران خاطی در امر بیت‌المال - از جانب امیرالمؤمنان قابل رصد است.

در بخشی از فرمان به مالک اشتر امام آورده است:

اگر یکی از کارگزارانت دست به خیانتی گشود و گزارش‌های فراهم شده از طریق ناظرانت آن را تأیید کرد، بدین گواه بسنده کن و کیفر او را با تنیه بدند و برسان و آنچه به دست آورده است را از وی بستان. آنگاه او را خوار گردان و نشان خیانت بر وی بنه و طوق بدنامی را بر گردنش انداز.<sup>۵</sup>

در نمونه عملی این فرمان در کتاب دعائم الإسلام آمده است:

ابن هرمه ناظر بازار اهواز بود. امام علی<sup>ع</sup> از خیانت‌های مالی وی آگاه گردید. امام به فرماندار خود در منطقه نوشت: ابن هرمه را از ناظرات بر بازار برکنار دار. او را به مردم معرفی کن و به زندانش بیفکن و رسایش ساز. در ادامه امام با تعیین مجازات تازیانه برای وی ادامه می‌دهد: هر کس که شاهد اقامه کرد ابن هرمه از وی چیزی ستانده است از اموال ابن هرمه آن را بپرداز.<sup>۶</sup>

## نتیجه

در مطالعه تاریخی سیره مدیریتی امیرالمؤمنین علی<sup>ع</sup> با لغزش‌های مالی کارگزارانش، ابتدا حاصل می‌آید که حضرت به امر پیشگیری به عنوان اصلی اولیه توجه داشته است و در تلاش بوده است تا با شایسته‌گرینی، افراد واجد شرایط برای این امر به کار گماشته شوند. سپس در دوران فعالیت نیز با ناظرات و رصد شیوه فعالیت و حکمرانی کارگزاران، در موقع لزوم با رهنماوهای خیرخواهانه، ایشان را به اصلاح مسیب در پیش گرفته شده، رهنمون بوده است. ضمن آنکه مواردی مانند دستور

۱. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۱۹ - ۴۱۶؛ نقی، الفارات، ج ۱، ص ۳۶۷ - ۳۶۳؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۱۳۰ - ۱۲۸.

مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۰۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۴۴؛ ابن اعثم، الشترح، ج ۴، ص ۲۴۵ - ۲۴۴.

۲. ابن قتیبه، المعرف، ص ۴۰۳؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۲۰.

۳. قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۲، ص ۳۶۳.

۴. بلاذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۷۴؛ نهج البلاغه، ن ۴۱.

۵. قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۱؛ ابن شعبه، تحف العقول، ص ۱۳۷؛ نهج البلاغه، ن ۵۳.

۶. قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۳۳.

به عدم انباست اموال نشان از آن دارد که حضرت علیؑ به رفع بسترها لغش نیز اهتمام داشته است. به هنگام اتهام لغش مالی، امامؑ ابینا در اطلاع رسانی موعظه‌گرانیه، کارگزار خود را از اتهام واردہ آگاه می‌ساخت. در ادامه نیز بررسی صحت اتهام، مورد توجه حضرت بوده است. حسابرسی و فراخوانی کارگزار به مرکز خلافت، جهت مشخص شدن خطای روی داده، تلاش برای اصلاح درونی کارگزار، جبران مافات و پیگیری وضعیت اموال مورد تعرض، از اقدامات عملی و مرحله‌ای حضرت علیؑ بوده است. نکته آخر آنکه انتظار می‌رود که این سیره رفتاری حضرت، با رویکردهای علوم اجتماعی، علوم سیاسی، فرهنگی و ... مورد تبیین بیشتر قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

۱. ابن‌الحدید، *شرح نهج‌البلاغه*، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی‌نجفی، ۱۳۳۷.
۲. ابن‌اثیر، *ابوالحسن علی بن محمد، الكامل فی التاریخ*، بیروت، دارالصادر، ۱۳۸۵.
۳. ابن‌اعثم، *الفتوح*، بیروت، دارالأضواء، ق. ۱۴۱۱.
۴. ابن‌شعبه‌حرانی، *تحف‌العقلول عن آل الرسول*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۵. ابن‌عبدالبر، *یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاح*، بیروت، دار‌الجیل، ۱۴۱۲.
۶. ابن‌فقیه، *احمد بن محمد، البیلان*، بیروت، عالم‌الکتاب، ۱۴۱۶.
۷. ابن‌قتبیه، *عبدالله بن مسلم، المعاشر*، قاهره، الهیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲ م.
۸. ابن‌منظور، *محمد بن مکرم، لسان‌العرب*، بیروت، دار‌الفکر - دار‌الصادر، ۱۴۱۴.
۹. بلاذری، *احمد بن یحیی، انساب‌الاشراف*، بیروت، مؤسسه الأعلی للطبعات، ۱۳۹۴.
۱۰. ثقی، *ابراهیم بن محمد، الغارات*، قم، دار‌الکتاب، ۱۴۱۰.
۱۱. جوهری، *اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج‌الغه و صحاح‌العربیه*، بیروت، دار‌العلم للملايين، ۱۴۱۰.
۱۲. حموی، *یاقوت، معجم‌البلدان*، بیروت، دار‌الصادر، ۱۹۹۵ م.
۱۳. دینوری، *ابوحنیفه، الاخبار‌الطوایل*، قم، رضی، ۱۳۶۸.
۱۴. طبری، *محمد بن جریر، تاریخ‌الاسم و الملک*، بیروت، دار‌التراث، ۱۳۸۷.
۱۵. طویسی، *محمد بن حسن، رجال‌الطویسی*، قم، نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۷۳.
۱۶. علی‌اکبری، *محمد‌حسین، سیاست‌های مالی امام علیؑ*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۷. فیومی، *احمد بن محمد‌مقری، المصباح‌المبیر فی غریب الشرح‌الکبیر‌للرافعی*، قم، دار‌الرضی، بی‌تا.
۱۸. قاضی‌نعمان، *دعائیم‌الاسلام*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۸۵.
۱۹. قاضی‌نعمان، *شرح‌الاخبار فی فضائل‌الائمه‌الاطهار*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹.
۲۰. کشی، *محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال‌الکشی*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاجیاء التراث، ۱۴۰۴.
۲۱. مسعودی، *علی بن حسین، مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر*، قم، دار‌الهجره، ۱۴۰۹.
۲۲. منقری، *نصر بن مزاحم، وقعة‌صفین*، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی‌النجفی، ۱۴۰۳.
۲۳. *نهج‌البلاغه*، سیدررضی، قم، هجرت، ۱۴۱۴.
۲۴. یعقوبی، *احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ‌الیعقوبی*، قم، اهل‌بیت، بی‌تا.